

عدم تغلیظ دیه‌ی قتل خطایی در ماه‌های حرام

محمدحسین شعبانی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۵/۱۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۲۹)

چکیده

یکی از اموری که در تشدید مجازات اثر دارد، قتل در ماه‌های حرام است که سبب افزایش یک‌سوم دیه است. نظر مشهور فقها این است که قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه موجب یک دیه کامل و ثلث دیه است. ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی این موضوع را به طور صریح بیان داشته است. اطلاق قتل به قتل عمد منصرف است و در قتل غیرعمدی هتک حرمت صدق نمی‌کند؛ شکستن احترام ماه حرام وقتی مصداق پیدا می‌کند که قتل، عمدی باشد. در قتل غیرعمد اصل اقتضا می‌کند، بیشتر از یک دیه کامل بر عهده‌ی فرد نباشد. در این مقاله به فلسفه و ملاک تغلیظ دیه پرداخته شده و دیدگاه طرفین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پیشنهاد می‌شود در ماده ۵۵۵ تجدیدنظر صورت پذیرد و به نظر می‌رسد باور عدم تغلیظ دیه در قتل خطایی از اتقان بیشتری برخوردار است.

کلید واژه‌ها: تغلیظ، دیه، قتل، ماه حرام، یک‌سوم

مقدمه

بدیهی است که زمان و مکان در تشدید یا تخفیف برخی از مجازات‌ها تأثیر دارد و یکی از اموری که در تشدید مجازات مؤثر است ماه حرام است. جنگ و کشتار و غارت یکی از شیوه‌های زندگی اعراب جاهلیت بود و برای این‌که مدتی در آسایش و آرامش باشند و به امور زندگی خود برسند در چند ماه سال از جنگ و خونریزی دست می‌کشیدند تا با آرامش زندگی کنند. از آنجایی‌که اعراب با ماه‌های قمری کار می‌کردند، در چهار ماه از سال یعنی ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم و رجب جنگ و کشتار ممنوع شد و عنوان ماه حرام به خود گرفت.

اسلام که دین صلح و امنیت و آرامش است این رسم را که از جنگ و خونریزی جلوگیری می‌کرد و باعث صلح و صفا در جامعه می‌شد، پسندید و به‌عنوان احکام امضایی آن را مورد تأیید قرار داد. قرآن کریم در چندین آیه حرمت ماه‌های حرام را تأیید کرده اما از تغلیظ دیه بحثی به میان نیامده است.

در روایات آمده است که قتل در ماه حرام سبب یک دیه کامل به‌علاوه یک‌سوم دیه از همان جنس است. فقهای عظام ابتدا این روایت را در کتاب‌های فقهی خود ذکر نموده و بعداً برخی از فقها با استناد از اطلاق روایت فرقی بین قتل عمد و غیر عمد نگذاشته‌اند و این افزایش دیه را در قتل غیر عمد نیز تسری داده‌اند.

البته برخی از فقها تصریح کردند چون قتل، به قتل عمد انصراف دارد استفاده اطلاق یا عموم از آن جایز نیست، و به تغلیظ دیه را در قتل عمد معتقدند و افزایش یک‌سوم دیه را در قتل خطایی باور ندارند.

قانون مجازات اسلامی که مبتنی بر فقه شیعه است حکم افزایش دیه را در قتل عمد و در غیر عمد تسری داده است. از این‌رو دارندگان وسیله نقلیه مکلف‌اند برای ماه حرام بیمه‌نامه الحاقی را به بیمه‌نامه خود ضمیمه کنند تا در صورت تصادف بیمه‌گر ملزم به پرداخت افزایش دیه‌ی ماه‌های حرام باشد و این امر مشکلاتی برای دارندگان وسیله نقلیه در جامعه ایجاد نموده است؛ چون آنان توان پرداخت حق بیمه اصلی را ندارند تا چه رسد به حق بیمه الحاقی. در این مقاله موضوع افزایش دیه در ماه‌های حرام مورد واکاوی مجدد قرار می‌گیرد و با اشاره به فلسفه حرمت ماه حرام و بررسی و تحلیل روایات وارده موضوع تغلیظ دیه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

سوالات تحقیق

منظور از تغلیظ دیه در ماه‌های حرام چیست؟ تغلیظ دیه چه مواردی را شامل می‌شود؟ آیا تغلیظ دیه مطلق قتل در ماه‌های حرام را شامل می‌شود یا اختصاص به قتل عمدی دارد؟

پیشینه تحقیق

با بررسی به عمل آمده در آثار فقهی قدیمین یعنی حسن بن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی اثری از تغلیظ دیه یافت نشده است. برخی از قدما، تغلیظ دیه را در افزایش سن شتران ذکر کرده‌اند. [۲۲، ص ۵۱۵؛ ۱۱، ج ۵، ص ۲۴۶]

شیخ مفید به تشدید یک سوم دیه در قتل عمد اشاره کرده است. [۳۱، ص ۷۴۴]

شیخ طوسی به تشدید دیه قتل در ماه‌های حرام در کتاب‌های نهاییه و مبسوط اشاره کرده است. [۲۴، ص ۷۵۶؛ ۲۳، ج ۷، ص ۱۱۷] بعد از شیخ طوسی بسیاری از فقها تغلیظ دیه قتل در ماه‌های حرام را در کتاب‌های فقهی خود ذکر کرده‌اند. [۱۰، ج ۴، ص ۱۰۱۷؛ ۱۱، ج ۲، ص ۳۲۲، ۱۹، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ ۲۰، ص ۴۴۲، ۱۵، ج ۲۶، ص ۱۹۱] برخی از فقها تشدید دیه در قتل عمد را باور دارند. [۱۷، ص ۲۳۶؛ ۲۶، ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ ۳۹، ج ۱، ص ۲۰۰]

تعریف مفاهیم

تغلیظ در لغت غلیظ کردن، تشدید، قوی کردن، تأکید، سفت کردن، سخت و درشت ساختن و سخن درشت گفتن آمده است. الدیه المغلظه یعنی دیه شدید و سخت در عمد و شبه عمد واجب می‌شود. [۳۰، ص ۳۶۲؛ ۱۸، ج ۲، ص ۱۸۸]

تغلیظ الدیه: زیاد کردن دیه یا با وصف همان‌طور که در افزودن سن شتر هست، یا با افزودن عدد و واجب کردن دیه و ثلث دیه. [۹، ص ۱۳۱]

در اصطلاح به معنی افزودن یک‌سوم دیه بر اصل دیه است. منظور از تغلیظ دیه آن است که هرگاه جنایتی در ماه‌های حرام و یا در حرم مکه واقع شود باید علاوه بر دیه کامل، ثلث دیه از همان جنس را هم به‌عنوان تغلیظ بپردازد.

دیه در لغت

واژه‌ی دیه در اصل ودی بوده که واو آن حذف شده و «ه» بدل از واو به پایان آن اضافه شده است. مثل عده و صلّه که وعد و وصل بوده‌اند. در لسان العرب آمده: «الدیه حق

القتیل» دیه حق مقتول است و «دیت القتیل دیه» یعنی دیه مقتول را پرداختم. [۱]، ج ۱۵، ص ۲۵۸]

دهخدا می‌نویسد: دیه مالی است که بدل نفس مقتول به ولی داده می‌شود و گاه اطلاق می‌شود به بدل اعضا و آن را ارش نیز می‌گویند. [۱۳، ج ۸، ص ۱۱۴۵۴]

ماه‌های حرام

ماه حرام ماهی است که احترام به آن واجب است و جنگ و خونریزی در آن ماه ممنوع و حرام شده است. ماه‌های حرام چهار ماه هستند که عبارت‌اند از: رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم. ماه ذی‌قعدة از این جهت به این نام معروف شده که از جنگ و کشتار دست می‌کشید و از آن خودداری می‌کردند. ماه محرم که جنگ و خونریزی در آن ممنوع و حرام بود محرم نامیده شد. اعراب در جاهلیت احترام این ماه‌ها را نگه می‌داشتند، به طوری که اگر یکی از ایشان قاتل پدر خود را در این اوقات مشاهده می‌کرد، متعرض قتل او نمی‌شد.

ایام تشریق

روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه است. علت نام‌گذاری این است که در این ایام گوشت‌های قربانی تکه‌تکه شده و در آفتاب خشک می‌شوند (تا فاسد نشوند). گفته شده به این دلیل ایام تشریق نام دارند که تا خورشید طلوع نکند، قربانی ذبح نمی‌شود. [۹، ص ۷۹]

بررسی روایات

از آنجایی که مهم‌ترین دلیل تغلیظ دیه روایات است در اینجا به نقل و بررسی روایات می‌پردازیم. کلیب اسدی می‌گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم مردی در ماه حرام کشته شده، دیه او چه مقدار است؟ فرمود یک دیه کامل و یک‌سوم دیه افزون بر آن. این روایت حسن است. [۲۸، ج ۲۴، ص ۲۸]

زراره می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: وقتی شخصی کسی را در ماه حرام بکشد دو ماه پی‌درپی از ماه حرام را روزه می‌گیرد. [۸، ج ۱۹، ص ۱۵۰]

براساس این روایت به نظر می‌رسد، امام (ع)، مجازات اصلی جانی و قاتل که همان دیه یا

قصاص باشد را مفروغ‌عنه گرفته و به تکلیفی مضاعف اشاره دارد، که همان روزه گرفتن به مدت دوماه است که هم باید پیایی باشد و هم باید از ماه‌های حرام و فوری باشد. در این روایت سخن از افزایش یک‌سوم دیه نیست، بلکه تشدید دیه را در فوری بودن و این‌که بدون فوت وقت دو ماه پیایی در ماه حرام روزه بگیرد، به‌عنوان تغلیظ ذکر شده است.

زراره گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: مردی در حرم مرتکب قتل شده‌است. فرمود: بر او یک دیه‌ی کامل و یک‌سوم دیه افزون بر آن است. دو ماه پی‌درپی از ماه حرام را روزه می‌گیرد. گفت به امام عرض کردم: مشکلی ایجاد می‌شود. در بین دوماه عید قربان و ایام تشریق واقع می‌شود که روزه گرفتن آن ممنوع است. فرمود روزه می‌گیرد چون گرفتن روزه حقی است که بر او لازم شده است. [۸، ج ۱۹ ص ۱۵۰]

مشکل این روایت این است که روزه گرفتن در روز عید قربان و ایام تشریق در منی را لازم دانسته است؛ در صورتی‌که روایاتی داریم که روزه گرفتن در این ایام حرام است. امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا(ص) از روزه گرفتن در شش روز نهی فرموده است. عید فطر، عید قربان، ایام تشریق و روزه‌داری در یوم‌الشک که اول رمضان است یا آخر شعبان به‌عنوان اول رمضان. [۸، ج ۷، ص ۳۸۳]

یک دسته از روایت‌هایی که بیانگر نوعی تغلیظ در دیه است، روایاتی هستند که در آن به‌عنوان قتل خطایی تصریح شده است.

از زراره نقل شده است. راوی می‌گوید: از امام صادق(ع) درباره مجازات فردی که مردی را در ماه حرام و به خطا بکشد، پرسیدم. آن حضرت در پاسخ فرمودند: دیه بر او تغلیظ می‌شود و برعهده‌ی اوست که بنده‌ای را آزاد سازد یا دوماه پی‌درپی از ماه‌های حرام را روزه بگیرد. راوی می‌گوید به آن حضرت عرض کردم: در این صورت و با وجوب روزه، مشکلی ایجاد خواهد شد. حضرت فرمودند: آن مشکل چیست؟ عرض کردم: (ایامی که باید روزه بگیرد) با روز عید و ایام تشریق برخورد می‌کند (که روزه گرفتن در آن‌ها حرمت دارد). حضرت در پاسخ فرمودند: روزه می‌گیرد چراکه این حکم حقی است که بر او لازم شده است. [۸، ج ۱۹، ص ۱۵۰؛ ۲۷، ج ۱۰، ص ۳۸۰]

این روایت به سبب وجود سهل ابن زیاد در طریق نقل آن مورد اشکال واقع شده است. در جامع المدارک آمده: «عمل به این روایت مشکل است چون در طریق نقل آن سهل ابن زیاد است.» [۱۲، ج ۲، ص ۲۳۱]

اشکال دیگر بر این روایت، این است که روزه گرفتن در عید فطر و عید قربان و ایام تشریق ممنوع است. روایات زیادی بر ممنوعیت روزه گرفتن در این ایام داریم. برخی در ممنوعیت روزه گرفتن در این ایام ادعای اجماع کرده‌اند. مشکل دیگر این روایت این است که قتل خطایی تناسبی با تغلیظ دیه ندارد، چون یکی از عناصر مهم تعیین مجازات و حتی تشدید آن عنصر قصد است، بنابراین وقتی در قتل خطای محض، قاتل قصدی نسبت به کشتن مقتول نداشته است، چطور ممکن است علاوه بر دیه مقرر، به‌عنوان مجازات، دیه را تشدید کرد.

البته در این روایت سخن از افزودن یک‌سوم دیه به میان نیامده است. این روایت با قواعد نیز سازگار است، بنابراین ما روایتی در خصوص پرداخت یک سوم دیه اضافی در قتل خطایی نداریم.

زراره نقل می‌کند که به امام باقر(ع) عرض کردم: شخصی مردی را در حرم کشت. امام فرمود: بر او یک دیه کامل و یک‌سوم دیه افزون بر آن است و دو ماه پیاپی از ماه حرام را روزه می‌گیرد و برده‌ای را آزاد می‌کند و شصت مسکین را طعام می‌دهد. و گفت به امام عرض کردم در این صورت مشکلی به وجود می‌آید. امام فرمود: مشکل چیست؟ گفتم روزه‌ی عید قربان و ایام تشریق پیش می‌آید. فرمودند: روزه می‌گیرد چون روزه حقی است که بر او لازم شده است. [۲۵، ج ۱۰ ص ۲۰۰]

مشکل این روایت در این است که روایاتی داریم که روزه روز عید و ایام تشریق برای کسی که در منی است حرام شده است. برخی از اصحاب از این روایت این‌طور برداشت نمودند که غیر از عید و ایام تشریق را روزه می‌گیرد. روایت هم در مخالفت با این مطلب صراحت ندارد. [۸، ج ۷، ص ۲۹۷] اشکال دیگر این روایت این است که در قتل خطایی، کفاره‌ی جمع را بیان کرد درحالی‌که در قتل خطایی کفاره مخیر لازم است. هم‌چنین در این روایت عیدان آمده که منظور عید قربان است چون عید فطر در ماه حرام واقع نمی‌شود. با عنایت به این که بین روایات تعارض وجود دارد، در برخی از روایات قتل را موجب افزایش دیه می‌داند و برخی دیگر قتل خطایی را عامل اضافه شدن یک‌سوم دیه به حساب آورده؛ با بررسی آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که ممکن است دو روایت که اندکی با هم تفاوت دارند یکی باشند. قدر متیقن از این روایات این است که قتل عمد موجب افزایش دیه است و نسبت به قتل خطایی اصل، عدم افزایش است و چون تغلیظ مجازات است قتل خطایی با مجازات سازگاری ندارد.

تغلیظ دیه از منظر فقها

بحث تغلیظ دیه که در کتاب‌هایی که اندکی بعد از غیبت کبری نوشته شده است نیست. مثلاً شیخ صدوق در کتاب المقنع به موضوع تغلیظ دیه در ماه‌های حرام اشاره نکرده است و به قتل در ماه حرام که علاوه بر دیه کامل باید دوماه پیاپی روزه بگیرد را به این صورت بیان کرده است: «اگر فردی شخصی را در ماه حرام به قتل برساند بر او دیه و دوماه روزه‌ی پی‌درپی در ماه حرام واجب می‌شود. اگر در بین این دوماه عید (عید قربان) و ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی‌حجه) واقع شود، بر اوست که این ایام را روزه بگیرد؛ چون حقی است که بر او لازم شده است.» [۲۲، ص ۵۱۵]

قدما در کتاب‌های فقهی خود تغلیظ دیه در ماه‌های حرام را ذکر کرده‌اند. شیخ مفید در کتاب مقنعه می‌فرماید: هرکس دیگری را در حرم به قتل برساند، دیه‌ی مقتول یک دیه‌ی کامل و یک‌سوم اضافه به خاطر شکستن حرمت حرم است. همچنین اگر کسی در یکی از ماه‌های حرام کشته شود، قاتل باید یک دیه‌ی کامل و ثلث آن را به جهت شکستن حرمت ماه حرام بپردازد. [۳۱، ص ۷۴۴]

محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «اگر کسی شخصی را در یکی از ماه‌های حرام به قتل برساند، ملزم به پرداخت یک دیه‌ی کامل و ثلث دیه از جنس آن، بابت تغلیظ می‌باشد. آیا پرداخت یک‌سوم مازاد، قتل در حرم مکه را نیز شامل می‌شود؟ رأی شیخ مفید و شیخ طوسی این است که قتل در حرم مکه هم شامل یک‌سوم افزایش دیه می‌شود. تغلیظ شامل اعضای بدن نمی‌شود.» [۱۰، ج ۴، ص ۱۰۱۷]

شهید ثانی در شرح لمعه آورده است: «اگر قتل در ماه‌های حرام یعنی یکی از چهار ماه ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم و رجب و یا در حرم شریف مکه صورت بگیرد، یک‌سوم از هریک از اجناس به خاطر تشدید عقوبت به نفع مستحق، دیه بر آن افزوده می‌شود، چون قاتل حرمت آن ماه یا مکان شریف را هتک کرده است.» [۱۹، ج ۱۰، ص ۱۸۳]

اگر کسی شخصی را در ماه حرام، رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم بکشد؛ ملزم به پرداخت یک دیه‌ی کامل و یک‌سوم دیه علاوه بر آن از هرجنسی که دیه پرداخت می‌کند می‌شود و پرداخت یک‌سوم دیه از باب تغلیظ است و اختلافی در آن پیدا نکردم بلکه اجماع محصل و منقول بر وجود آن دارد. علاوه بر این که ادعای اجماع شده، ظاهراً روایات مستفیض یا متواتری در این زمینه رسیده است. در کتاب مسالک آمده که نصوص زیادی در این خصوص داریم. در کتاب خلاف شیخ طوسی این مطلب به اجماع و اخبار امامیه نسبت داده شده است.

مؤلف جواهرالکلام می‌گوید: برخلاف نظر کسانی که می‌گویند برای تغلیظ دیه در ماه حرام روایات متعددی وجود دارد، من دو خبر بیشتر ندیده‌ام؛ یکی خبر کلیب اسدی است که می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره دیه مردی که در ماه حرام کشته شده بود سؤال کردم. حضرت فرمود: دیه‌ی آن یک دیه‌ی کامل و یک‌سوم دیه افزون بر آن است. خبر دیگر این‌که «از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: کسی که در ماه حرام مرتکب قتل شود، یک دیه‌ی کامل و یک‌سوم دیه افزون بر آن باید پرداخت کند.» [۳۳، ج ۲۷، ص ۴۳]

شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد: «قبلاً ذکر شد که دیه در عمد و شبه عمد تشدید می‌شود و در خطای محض تخفیف می‌یابد؛ این تخفیف دائمی است مگر در سه جا: مکان، زمان، رحم و قتل خویشاوند نزدیک. اما مکان حرم مکه است و زمان ماه‌های حرام است و رحم قتل خویشاوند نسبی است. مثل این‌که برادر، برادرش را بکشد. در این‌که دیه در اینجا تغلیظ شود، اختلاف است. کسانی که تغلیظ دیه را در افزودن یک‌سوم دیه قبول ندارند، تغلیظ را در سن شتران قرار می‌دهند. (مثلاً به‌جای شتر یک‌ساله شتر سه‌ساله انتخاب می‌شود). در نزد ما تغلیظ دیه به این است که یک دیه کامل و ثلث دیه به آن افزوده شود.» [۲۳، ج ۷، ص ۱۱۷]

از جمله فقهایی که تغلیظ دیه را در قتل خطایی لازم می‌دانند، روحانی در فقه الصادق است. نامبرده می‌گوید:

دیه قتل در ماه حرام خواه عمدی باشد یا خطایی یک دیه کامل و یک‌سوم دیه از هر جنسی که دیه پرداخت می‌شود، برای مستحق دریافت دیه خواهد بود. دیه تغلیظ می‌شود چون حرمت ماه حرام شکسته شده است، خلاقی در این مطلب یافت نشده بلکه اجماع بر این مطلب وجود دارد. [۱۵، ج ۲۶، ص ۱۹۱]

اظهار نظر برخی از فقها که تغلیظ دیه را شامل قتل خطایی می‌دانند، ناشی از اطلاق روایت است که قتل از جمله قتل خطایی در ماه حرام را موجب افزایش دیه می‌داند. مستحضرید که استفاده از اطلاق در صورتی صحیح است که قرینه‌ای بر خلاف آن وجود نداشته باشد. اما به نظر می‌رسد که در این جا قرینه‌ای وجود دارد که منظور از قتل، قتل عمد است و قتل ظهور در قصد قتل و عمدی بودن آن دارد. به این دلیل این چها ماه حرام هستند که قتل و خون‌ریزی و کشتار در آن ممنوع شده تا مردم با آرامش و امنیت به زندگی بپردازند. پس فلسفه‌ی وجودی ماه حرام جلوگیری از قتل‌های عمدی است و شامل قتل خطایی نمی‌شود.

صاحب کفایه می‌فرماید: «از شرایط اطلاق‌گیری از کلام این است که در مقام مخاطب،

قدر متیقن وجود نداشته باشد. یعنی فردی از افراد به ملاحظه مقام گفتگو حکم آن متیقن نباشد، به طوری که از خود کلام گرچه به کمک قراین حالییه و مقالیه باعث آن شود که به ثبوت حکم برای آن فرد یقین پیدا کنیم؛ در این صورت نمی توان به اطلاق کلام تمسک کرده و حکم را برای تمامی افراد ثابت دانست. دیگر از شرایط استفاده از اطلاق عدم انصراف است. در جایی که مطلق منصرف به خصوص بعضی از افراد یا برخی از اصناف است واجد اطلاق نمی‌باشد، چون با وجود انصراف و توجه لفظ به معنای خاص لفظ ظاهر در خصوص همان افراد منصرف الیه است یا فرد مورد توجه و انصراف ذهن به آن، قدر متیقن از کلام است؛ اگرچه مطلق از نظر لفظ ظهور در خصوص آن‌ها نداشته باشد؛ چون مراتب انصراف مختلف است.» [۶، ج ۳، ص ۷۳۱؛ ۱۴، ج ۳، ص ۱۹۸۵]

وقتی که گفته می‌شود قتل در ماه حرام موجب تغلیظ دیه است، با توجه به فلسفه‌ی ماه حرام که برای جلوگیری از جنگ و کشتار است، قرینه است که منظور از قتل، قتل عمد است. یعنی قدر متیقن از قتل، قتل عمد است و کلمه‌ی قتل، به قتل عمد انصراف دارد، تغلیظ دیه هم که نوعی مجازات می‌باشد انصراف به قتل عمد دارد، چون مجازات در قتل خطایی شایسته نیست.

علاوه بر این که شکستن احترام ماه حرام وقتی مصداق پیدا می‌کند که قصد و عمدی در کار باشد، وقتی قصد و عمدی در کار نباشد، حرمت شکنی هم مصداق ندارد. چون توهین و احترام از افعال قصدی هستند و وقتی قصد حرمت شکنی وجود ندارد نمی‌توان شخص را به خاطر حرمت شکنی مجازات کرد.

تغلیظ در قتل عمد

در مقابل عده‌ای از فقها اظهار داشتند که قتل عمد موجب تغلیظ دیه است، چون قتل ظهور در قتل عمد دارد.

سلار می‌گوید: «وقتی مردی، مرد مسلمان و آزادی را بکشد، در صورتی که اولیای او بخواهند، قاتل قصاص می‌شود... اگر قتل در حرم یا در ماه‌های حرام واقع شود بر او یک دیه کامل به علاوه ثلث دیه از همان جنس است. چون حرمت ماه حرام را شکسته است.» [۱۷، ص ۲۳۶]

از ظاهر متن روشن است که بحث روی قتل عمد است؛ چون صحبت از قصاص است. در حالی که در قتل خطایی، قصاص وجود ندارد.

با تأمل در عبارت شیخ طوسی در نهاییه مشخص می‌شود که ایشان تغلیظ دیه در

قتل عمد را باور دارند. «کسی که دیگری را در حرم یا در یکی از ماه‌های حرام: رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم، بکشد، دیه از او گرفته می‌شود، و بر اوست که یک دیه‌ی کامل بعلاوه یک‌سوم دیه از همان جنس پرداخت کند. یک دیه کامل برای قتل و یک‌سوم دیه برای شکستن احترام حرم و ماه حرام. اگر اولیا خواهان قصاص باشند، قاتل در مقابل مقتول کشته می‌شود.» [۲۴، ص ۷۵۶]

چنان‌که ملاحظه می‌شود بحث در قتل عمد است و پس از بیان تغلیظ دیه می‌فرماید اگر اولیا، خواهان قصاص باشند، قاتل کشته می‌شود. دیگر این‌که شکستن احترام ماه حرام در قتل عمد صدق می‌کند و در قتل خطایی محض که قاتل قصدی نسبت به کشتن مقتول نداشته، با فقدان عنصر قصد در قتل غیرعمدی هتک حرمت ماه حرام تحقق پیدا نمی‌کند.

از دیگر فقهای که تغلیظ در قتل عمدی را باور دارد، صاحب مهذب البارع است. او می‌گوید: «تغلیظ در صورتی که قتل، عمدی باشد تحقق پیدا می‌کند. تغلیظ تنها در صفت شتران است. یعنی در صورت تغلیظ سن شتران باید بالاتر باشد.

دیگر از عوامل تغلیظ قتل در حرم مکه و حرم رسول‌الله یا حرم یکی از ائمه (ع) است. هم‌چنین اگر قتل در یکی از ماه‌های حرام واقع شود.» [۱۱، ج ۵، ص ۲۴۶]

چنان‌که از عبارت متن پیداست، نامبرده قتل عمدی در حرم مکه و حرم رسول‌الله (ص) یا حرم یکی از ائمه (ع) یا ماه‌های حرام را موجب افزایش یک‌سوم دیه بر اصل دیه می‌داند.

همچنین فاضل هندی در کشف اللثام پس از بیان این‌که اگر قتل در ماه‌های حرام یا حرم مکه واقع شود یک دیه‌ی کامل و یک‌سوم دیه از همان جنس را می‌پردازد، می‌فرماید:

«و الظاهر اختصاص ذلك بالعمد كما يشعر به عبارة النهاية و تعليل الاصحاب

بالانتهاك و يدل عليه الأصل فيقتصر في خلافه على اليقين.» [۲۶، ج ۱۱، ص ۳۱۵] ظاهر

آن است که تغلیظ دیه به قتل عمد اختصاص دارد، چنان‌که عبارت کتاب نه‌یاه شیخ به

این مطلب اشاره دارد و فقها افزایش یک‌سوم دیه را جهت شکستن احترام ماه‌های حرام

تعلیل نمودند. دلیل این‌که تغلیظ اختصاص به قتل عمد دارد این است که اصل اقتضا

می‌کند، بیشتر از یک دیه‌ی کامل بر عهده‌ی شخص نباشد و نسبت به زاید بر یک دیه

برائت جاری می‌شود و به همان امر یقینی که پرداخت یک دیه است اکتفا می‌شود.

مرحوم فاضل هندی می‌فرماید: تغلیظ دیه به قتل عمد اختصاص دارد. چون قتل با

توجه به قرینه‌ی افزایش دیه اختصاص به قتل عمد دارد چون قدر متیقن از قتل، قتل

عمد است و از غیر عمد انصراف دارد. چون افزایش دیه مجازات است و مجازات در قتل خطایی ناصواب است. همین امر مانع اطلاق قتل می‌شود. [۲۶، ج ۱۱، ص ۳۱۵]

دیگر این که فقها دلیل افزایش یک‌سوم دیه را هتک حرمت و بی‌احترامی به ماه حرام ذکر کردند. این بی‌احترامی در صورتی صدق می‌کند که قصدی در کار باشد. چون توهین و احترام از امور قصدی هستند و وقتی قاتل نه قصد قتل داشت و نه قصد بی‌احترامی، هتک حرمت نسبت به او صدق نمی‌کند. وقتی که قتل عمدی باشد، هتک حرمت صدق می‌کند، اما در قتل غیرعمدی هتک حرمت مصداق ندارد.

دیگر این که اصل جاری در موضوع، برائت از مقدار زائد است. چون دلیل لفظی ما در اینجا متعارض و نسبت به قتل غیر عمد نارساست. در نتیجه نوبت به اصل عملی می‌رسد، و اصل برائت نسبت به مقدار زاید جاری می‌شود. قدر متیقن باید یک دیه کامل پرداخت شود و نسبت به پرداخت مازاد آن برائت جاری می‌کنیم.

صاحب جواهر در انتهای این مبحث پس از ذکر عبارت فاضل هندی در کشف اللثام و بعد از بیان نظر فقها می‌گوید: «کلمه قتل ظهور در قصد قتل دارد که شامل قتل خطایی نمی‌شود. در این هنگام از کلمه قتل نمی‌توانیم عمومیت استنباط کنیم؛ چون ظهور در قتل عمد دارد و اجرای اصل برائت یعنی عدم پرداخت یک‌سوم دیه بلامانع است؛ بنابراین اصل عدم پرداخت دیه اضافی است.» [۳۳، ج ۴۳، ص ۲۸]

از فقهای معاصر امام خمینی (ره) معتقد است: تغلیظ در دیه به حساب زمان یا مکان وقوع قتل، در قتل خطایی محض ثابت نیست. [۳، ج ۱۰، ص ۱۲۵]

در کتاب «دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری» در این خصوص مطلبی به صورت سؤال و جواب مطرح شده که در اینجا ذکر می‌شود:

سؤال: جناب استاد ماه‌های حرام در زمان و مکان تشریح حکم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. لذا این حکم فلسفه خاص خود را داشته است. در جامعه‌ای که مردم با ماه‌های حرام بیگانه هستند وقتی نام آن را نمی‌دانند چه برسد به این که بدانند قتل و جنایت در این ماه‌ها موجب افزایش یک‌سوم دیه است؛ آیا می‌توان گفت حکم مذکور برای تمامی امکنه و ازمنه است؟ و با توجه به اینکه بسیاری از فقها از متقدمین، قصد انتهاک (بی‌احترامی) را ذکر نموده‌اند، مردمی که اصلاً ماه‌های حرام را نمی‌شناسند، چگونه قصد انتهاک بر عملشان متصور خواهد بود؟

پاسخ استاد: مگر بگوییم تغلیظ دیه مشروط به علم است، در این صورت سخن شما

درست است، اگر قصد انتهاک را شرط بدانیم. [۲۸، ج ۱، ص ۲۰۰] به نظر می‌رسد افزایش یک‌سوم دیه در ماه‌های حرام در هنگام تصادف از پشتوانه و استدلال محکمی برخوردار نیست. اجمالاً بیان شد شیوه‌ی زندگی عرب جاهلی جنگ و غارت و خون‌ریزی بود. برای این‌که مدتی را در صلح و آرامش به سر برند، ماه‌هایی از سال را که به ماه‌های حرام معروف بود دست از جنگ و خون‌ریزی برمی‌داشتند. اسلام هم این رسم را پسندید و امضا کرد. در کشور ما بسیاری از افراد با ماه‌های قمری آشنایی ندارند و ماه‌های حرام را نمی‌دانند. حتی برخی مردم ماه رمضان را ماه حرام می‌دانند و ماه رجب را ماه حرام نمی‌دانند. بنابراین اگر تصادف در این ماه، موجب تغلیظ دیه شود، شایسته نیست.

دیگر این‌که هدف اسلام از امضای ماه حرام، جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی بود؛ در حالی‌که در تصادف همان‌طور که از اسمش پیداست شخص قصد قتل و بی‌احترامی به ماه حرام را ندارد و به طریق اولی مجازات تغلیظ دیه هم نسبت به او منتفی است. بعلاوه این حکم یک حکم حرجی است. بسیاری از افراد توان بیمه کردن ماشین را ندارند؛ چه رسد به این‌که یک‌سوم دیه نیز به آن افزوده شود.

آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز تغلیظ دیه در قتل خطایی را با اشکال موجه می‌داند و معتقد است: تغلیظ دیه اضافه بر دیه معمولی در ماه‌های حرام نسبت به قتل عمد و شبه عمد ثابت، ولی در مورد قتل خطائی محل اشکال است و بهتر است نسبت به مقدار زائد بر دیه معمولی بین طرفین مصالحه شود و مقدار زائد باید به ورثه مقتول داده شود. [۲۱، ج ۲، ص ۳۴۹] دیگر از فقهای معاصر که قایل به تغلیظ دیه در قتل عمدی است آیت‌الله مکارم شیرازی است که در ضمن سوالی به شرح ذیل

آن پاسخ می‌دهد:

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز معتقد است: تغلیظ دیه در ماه حرام، مربوط به قتل‌های عمد بوده و حکم آن به غیر عمد و خطایی تسری پیدا نمی‌کند. [۳۲، ج ۲، ص ۱۶۵۲] از طرفی، دادگاه‌ها نیز متوجه مشکلات این حکم شده‌اند. از این‌رو، شعبه‌ی ۲۷ دیوان عالی کشور حکم تغلیظ دیه در قتل خطایی را نقض کرده است. «با توجه به ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ اگر صدمه و فوت در ماه‌های حرام و یا در حرم مکه معظمه واقع شود یک‌سوم از نوع دیه‌ای که محکوم‌علیه انتخاب نموده است، بر آن افزون می‌شود. بنابراین تغلیظ دیه ارتباطی به نوع قتل ندارد. لکن شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۴۱۴/۲۷ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۸ برخلاف نظریه اداره حقوقی، به این‌گونه حکم صادر کرده است: «در قتل خطای محض تغلیظ دیه وجود

ندارد.» ماحصل کلام این‌که در خصوص تعلق دیه به انواع قتل، اختلاف نظر وجود دارد و برای رفع مشکل باید با توجه به فلسفه ایجاد این نهاد حقوقی چاره‌جویی کرد. آنچه مسلم است اینکه تغلیظ دیه بدلیل هتک حرمت و بی‌احترامی به ماه‌های حرام است؛ پس نسبت دادن آن به شبه‌عمد و خطاء محض خالی از اشکال نیست. راننده‌ای که شب هنگام و در ماه حرام به علت تاریکی شب، شخص را کشته است و ناخواسته مرتکب این عمل شده، هیچ بی‌احترامی به ماه حرام نکرده چرا که عمل وی از روی عمد نبوده است.» [۵، ص ۱۳۷]

تغلیظ در حرم مکه

آیا تغلیظ دیه با قتل در حرم مکه نیز لازم است. شیخ مفید و شیخ طوسی قتل در حرم مکه را به قتل در ماه‌های حرام از نظر افزایش یک‌سوم دیه ملحق کرده‌اند. بسیاری از فقهای عظام از شیخین پیروی کرده و قتل در حرم را موجب افزایش دیه دانسته‌اند. البته برخی در این مطلب توقف کرده و از شیخین تقاضای دلیل نمودند. البته روایاتی در خصوص قتل در حرم که موجب تغلیظ دیه است، وارد شده است. هرچند در قرائت حرم اختلاف نظر وجود دارد.

به امام باقر (ع) عرض کردم شخصی، کسی را در حرم کشت، فرمود: یک دیه کامل و یک‌سوم دیه افزون بر آن واجب می‌شود. [۸، ج ۱۹، ص ۱۵۰] صاحب جواهر می‌فرماید: «با وجود روایت جایی برای توقف در مسأله نیست. به خصوص این‌که ماه‌های حرام و حرم مکه هر دو در احترام مشترک هستند. کشتن حیوانات در حرم به شدت نهی شده و موجب کفاره است و مناسب است که قتل انسان هم موجب تغلیظ دیه می‌شود.» [۳۳، ج ۴۳، ص ۲۷]

در مقابل برخی از فقها معتقدند تغلیظ دیه مخصوص ماه‌های حرام است و موارد دیگر مثل قتل در حرم مکه و قتل اقارب مشمول تغلیظ دیه نمی‌شود. از جمله این فقها مقدس اردبیلی است. نامبرده می‌نویسد:

«در این‌که تغلیظ دیه در غیر ماه‌های حرام، مثل حرم مکه را هم شامل می‌شود؟ ظاهراً شامل نمی‌شود، چون دلیلی نداریم. قیاس نمودن به ماه‌های حرام و کفاره صید در حرم بدون دلیل است. باوجود این شیخ طوسی و مفید به آن معتقدند و آن دو آشنا‌ترند. بر فرض که تغلیظ دیه شامل حرم مکه شود، حرم مدینه و حرم امامان را شامل نمی‌شود. زیرا قیاس باطل است و دلیلی بر آن نداریم.» [۲، ج ۱۴، ص ۲۲۱]

فقهایی که تغلیظ دیه به سبب قتل در حرم مکه را قبول ندارند، روایتی که می‌گوید: رجل قتل رجل فی الحرم حرم را به ضم حاء و راء به معنای ماه‌های حرام گرفته‌اند. همان‌طور که مشهور فقها فرمودند قتل در حرم، موجب تغلیظ دیه می‌شود. چون بعید به نظر می‌رسد شیخ مفید و شیخ طوسی بدون دلیل قوی چنین فتوایی داده باشند. چه بسا آن بزرگوران به روایاتی دسترسی داشتند که فعلاً موجود نمی‌باشد.

نظر فقهای اهل سنت

در فقه اهل سنت در سه مورد دیه، تغلیظ می‌شود:

- ۱- هرگاه قتل در حرم مکه اتفاق افتد.
 - ۲- هرگاه قتل در ماه‌های حرام واقع شود.
 - ۳- وقتی یکی از خویشاوندان نزدیک را بکشد.
- تغلیظ دیه در قتل عمد و شبه عمد است و در قتل خطایی تشدید و تغلیظ نیست. تغلیظ هم هنگام پرداخت در سن شتران صورت می‌گیرد. مثلاً در قتل عمد، سی حقه، شتر چهار سال، و سی جذعه، شتر پنج سال، و چهل خلفه، شتر باردار پرداخت می‌شود. در حالی که قتل خطایی پنج نوع شتر یک نوع آن بیست و پنج بنت مخاض، شتری که یک سال آن تمام شده باشد، پرداخت می‌شود؛ یعنی در نوع و مدت پرداخت تخفیف داده می‌شود. [۱۶، ج ۷، ص ۵۷۱۰]
- حنفی‌ها معتقدند دیه در قتل عمد و شبه عمد تغلیظ می‌شود. در شبه عمد پرداخت دیه بر عهده عاقله و کفاره بر قاتل است و قاتل به سبب قتل از ارث محروم می‌شود و این کیفر، قتل است. شبهه موجب سقوط قصاص می‌شود اما باعث عدم محرومیت از ارث نمی‌شود. [۷، ج ۵، ص ۳۶۷]
- همان‌طور که فقهای اهل سنت تصریح کردند، تغلیظ دیه در نزد آنان به افزودن سن شتران است و در غیر شتر تغلیظ دیه را روا نمی‌دانند. البته این مضمون در عبارات برخی از فقهای امامیه هم بود که قبلاً به آنها اشاره شد.

نتیجه

یکی از مسایل فقهی و حقوقی این است که قتل در ماه‌های حرام موجب تغلیظ دیه است. فقها قتل در حرم مکه را نیز موجب تغلیظ دیه می‌دانند. برخی از فقها متن روایت

را که می‌گوید قتل در ماه حرام موجب افزایش یک‌سوم دیه است ذکر کردند و متعرض عمد و غیر عمد نشده‌اند. عده‌ای از فقها اظهار داشته‌اند که قتل خواه عمدی باشد یا غیرعمدی موجب تغلیظ و افزایش یک‌سوم دیه است. برخی از فقها هم بیان داشته‌اند که قتل عمد موجب افزایش دیه است.

از آنجایی که قتل، ظهور در قصد و قتل عمدی دارد و تغلیظ هم مجازات است و مجازات در غیر عمد مناسب نیست و با قتل عمد سازگار است و اصل این است که در موارد مشکوک بیش از یک دیه ثابت نگردد و نسبت به مازاد آن براءت جاری شود و در قتل غیرعمدی بی‌احترامی نسبت به ماه حرام صورت نمی‌گیرد، چون مردم ما معمولاً با ماه قمری کار نمی‌کنند و با آن آشنایی ندارند.

با عنایت به این که بین روایات تعارض وجود دارد و فقها هم در این زمینه اتفاق نظر ندارند و تغلیظ دیه مشکلاتی را برای رانندگان ایجاد می‌کند؛ شایسته است که در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی تجدیدنظر شود و قتل خطایی و تصادف مشمول تغلیظ دیه قرار نگیرد.

منابع

- [۱] ابن منظور، محمد ابن مکرم، ۱۴۱۰ هـ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی .
- [۲] اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳ هـ ق، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاندھان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- [۳] امام خمینی، روح الله، ۱۳۹۲ ش، استفتائات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- [۴] _____، ۱۴۰۳ هـ ق، تحریر الوسیله، تهران، منشورات مکتبه الاعتماد.
- [۵] بازگیر، یدالله، ۱۳۷۶ ش، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور (قتل عمد)، تهران، انتشارات ققنوس.
- [۶] جزایری مروج، محمد جعفر، ۱۳۸۸ ش، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، قم، مطبعه الامیر.
- [۷] جزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۵ هـ ق، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۸] حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ هـ ق، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۹] حسینی، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، سروش.
- [۱۰] حلی، ابوالقاسم، ۱۴۰۳ هـ ق، شرایع الاسلام، با تألیف صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال.
- [۱۱] حلی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی، ۱۴۰۷ هـ ق، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- [۱۲] خوانساری، سید احمد، ۱۳۵۵ ش، جامع المدارک، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۱۳] دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷ ش، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۴] ذهنی، سیدمحمدجواد، ۱۳۶۶ ش، تحریرالفصول فی شرح کفایه الاصول، قم، انتشارات حاذف.

- [۱۵] روحانی، سیدصادق حسینی، ۱۴۱۲هـ.ق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دارالکتب مدرسه امام صادق علیه السلام.
- [۱۶] زحیلی، وهبه، ۱۴۱۸ هـ.ق، الفقه الاسلامیه و ادلته، لبنان، انتشارات دارالفکر بیروت.
- [۱۷] سلا، حمزه ابن عبدالعزیز، ۱۴۰۴ هـ.ق، المراسم العلویه و الاحکام نبویه فی الفقه الامامه، قم، منشورات الحرمین.
- [۱۸] شرتوتی، سعید الخوری، ۱۴۰۳، اقرب الموارد، قم، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی.
- [۱۹] شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی ۱۳۹۸هـ.ق، الروضه البهیة، قم، مکتبه الداوری.
- [۲۰] شیخ بهائی، محمدبن حسن، ۱۳۱۹هـ، جامع عباسی، تهران، موسسه انتشارات فراهانی.
- [۲۱] صافی، گلپایگانی، لطف الله، ۱۴۱۷هـ.ق، جامع الأحکام، قم، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها.
- [۲۲] صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۵ هـ.ق، المقنع، قم، موسسه امام هادی علیه السلام.
- [۲۳] طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۳۷۸هـ.ق، المبسوط، فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه.
- [۲۴] _____، ۱۴۰۰هـ.ق، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
- [۲۵] _____، ۱۴۲۸هـ.ق، تهذیب الاحکام، لبنان بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۲۶] فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶هـ.ق، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- [۲۷] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ هـ.ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۸] مرعشی، محمدحسن، ۱۳۷۳ش، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر نی.
- [۲۹] مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۹ش، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۰] معین، محمد، ۱۳۸۸ش، فرهنگ فارسی، تهران، ناشر اشجع.
- [۳۱] مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۷ هـ.ق، المقنعه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- [۳۲] مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۳، استفتائات، قم، مدرسه امام علی (ع).
- [۳۳] نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷ش، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.